

نگرشی تطبیقی به قرآن و انجیل ۲

علی رضا عقیلی

عیسی (ع)، کلمه الله

در قرآن به مناسبت‌های گوناگون از عیسی بن مریم (ع) به (کلمه خدا) تعبیر شده است:

(ان الله يبشرك بكلمة منه اسمه المسيح عيسى بن مريم...) آل عمران / ۴۵

خداوند بشارت می دهد تو را به کلمه ای از خویش، اسم او مسیح عیسی پسر مریم است.

(ان الله يبشرك بيحيى مصدقاً بكلمة من الله) آل عمران / ۳۹

خداوند بشارت می دهد تو را به یحیی که تصدیق کننده است به کلمه ای از خدا (تصدیق کننده عیسی است).

(انما المسيح عيسى بن مريم رسول الله و كلمته) نساء / ۱۷۱

همانا مسیح، پسر مریم فرستاده خدا، و کلمه او است.

در انجیل یوحنا باب اول نیز چنین می خوانیم:

(در ابتداء کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود. همان در ابتداء نزد خدا بود. همه چیز به واسطه او آفریده شده. به غیر از او چیزی از موجودات وجود نیافت. در او حیات بود و حیات نور انسان بود. و کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد پر از فیض و راستی و جل ال او را دیدیم، جلالی شایسته پسر یگانه پدر. و یحیی بر او شهادت داد و ندا کرده می گفت این است آن که درباره او گفتم، آن که بعد از من می آید پیش از من شده است، زیرا که بر من مقدم بود. و از پری او جمیع ما بهره یافتیم و فیض به عوض فیض. زیرا شریعت به وسیله موسی عطا شد، اما فیض و راستی به وسیله عیسی مسیح رسید.)

همانندی که در این خصوص بین قرآن کریم و انجیل دیده می شود، تعبیر از عیسی (ع) به کلمه الله و شهادت یحیی (ع) به حقانیت عیسی (ع) است، اما اختلاف دو متن به ابعاد توحیدی و نگرش‌های برگرفته از آن باز می گردد، زیرا در قرآن (الله) محوری حاکم است و در عبارت انجیل، عیسی در ردیف خدا و فرزند او شناسانده شده است.

به هر حال در قرآن مجید برای اثبات عظمت و قداست حضرت مسیح پیامبر پاک خدا، بخش درخور توجهی از آیات قرآن را به حضرت مریم و مسیح و پیروان او اختصاص می دهد، تا آنجا که در مجموع، بالغ بر ۱۷۵ آیه، شامل ۳۱۶۳ کلمه، معادل ۴/۱٪ کل کلمات قرآن در این رابطه است. و اما سرّ تعبیر قرآن از عیسی (ع) به کلمه الهی، خود بحثی است تفسیری و مفسران، وجوهی را در این خصوص نقل کرده اند، ولی از آنجا که با تحقیق کنونی ما بیگانه می نماید به اشاره ای بسنده می شود.

یکی از مفسران در این باره نوشته است:

(منظور از کلمه، عیسی بن مریم است و از او به کلمه تعبیر شده تا یادآوری باشد به این که او آفریده ای غیرعادی است و سزاوار است تا به تنهایی توصیف به کلمه شود، اگر چه در واقع همه موجودات کلمه خدا هستند.)

حواریون عیسی(ع)

در قرآن، از گروهی به عنوان (حواریون) یاد شده است، چنانکه از مضمون و محتوای آیات آن استفاده می شود آنان از شاگردان خاص و طرف مستقیم ارشادات و دستورات حضرت عیسی(ع) بوده اند و گویا در سفر و حضر آن پیامبر الهی را همراهی می کرده اند:

(... قال الحواریون نحن انصارالله آمنا بالله...) آل عمران / ۵۲

حواریون گفتند ما یاران خداییم، ایمان آوردیم به خدا...

(واذ أوحیت الی الحواریین أن آمنوا بی و برسولی قالوا آمنا...) مائده / ۱۱۱

وهنگامی که به حواریون وحی کردم که به من و فرستاده من ایمان بیاورید گفتند ایمان آوردیم.

(كما قال عیسی ابن مریم للحواریین من أنصاری الی الله قال الحواریون نحن أنصارالله...)

چنانکه عیسی بن مریم به حواریون گفت چه کسانی یاران من به سوی خدایند؟ حواریون گفتند ما یاران خداییم.

(حواریون: جمع حواری: شاگردان مسیح، مخلص با ایمان، پند دهنده، شوینده، یاور پیمبران. از حور: شستن جامه، برگشت و... شاید هم واژه ای باشد حبشی، که به شاگردان مسیح اطلاق می شده است.)

در عیون اخبار الرضا(ع) چنین آمده است:

(از امام رضا علیه السلام سؤال کردند: چرا حواریون به این نام نامیده شده اند؟ امام فرمود: جمعی از مردم تصور می کنند که آنها شوینده لباس بوده اند و به خاطر این شغل، چنان نام گرفته اند، ولی علت آن بود که آنها هم خود را از آلودگی به گناه پاک کرده بودند، و هم ب رای پاک کردن دیگران کوشش داشتند.)

و در انجیل نیز فراوان از این گروه یاد شده است، از جمله:

(و دوازده شاگرد خود را طلبیده ایشان را بر ارواح پلید قدرت داد که آنها را بیرون کنند و هر بیماری و رنجی را شفا دهند. و نامهای دوازده رسول این است: اول شمعون معروف به پطرس، و برادرش اندریاس یعقوب بن زبدي، و برادرش یوحنا، فیلیپس و برتوسما، توما و متی باجکیر، یعقوب بن حلفی و لبی معروف به تری، شمعون قانونی و یهودای اسخریوطی که او را تسلیم نمود. این دوازده را عیسی فرستاده بدیشان وصیت کرده گفت از راه امتهای مروید... و چون می روید موعظه کرده گوید که ملکوت آسمان نزدیک است. بیمار را شفا دهید، ابرصان را طاهر سازید و مردگان را زنده کنید، دیوها را بیرون نمایید...) (انجیل متی، باب دهم، آیات ۱ تا ۹، ط. ل، صفحه ۱۵)

تصدیق عیسی نسبت به حقانیت تورات

در قرآن می خوانیم:

(وَقَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِعِيسَىٰ بْنِ مَرْيَمَٰةٍ مُّصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ) به دنبال بعثت پیامبران پیشین، عیسی فرزند مریم، نیز به پیامبری مبعوث شد، درحالی که تصدیق کننده کتابها و شرایع پیشین، از آن جمله تورات، بود و ما به او انجیل را عطا کردیم.

همین معنی در انجیل نیز در موارد بسیار عنوان شده است:

(گمان مبرید که آمده ام تا تورات یا صحف انبیاء را باطل سازم! نیامده ام تا باطل نمایم، بلکه تا تمام کنم، زیرا هر آینه به شما می گویم تا آسمان و زمین زایل نشود همزه یا نقطه ای از تورات هرگز زایل نخواهد شد تا همه واقع شود، پس هر که یکی از این احکام کوچک ترین را بشکند و به مردم چنین تعلیم دهد در ملکوت آسمان کم ترین شمرده شود...) (انجیل متی باب ۵، آیات ۱۷ تا ۲۰، صفحه ۶، ط. ل)

(... لیکن آسان تر است که آسمان و زمین زایل شود از آنکه یک نقطه از تورات ساقط گردد.) (انجیل لوقا، باب ۱۶، آیه ۱۷، صفحه ۱۲۳، ط. ل)

(... زیرا اگر موسی را تصدیق می کردید مرا نیز تصدیق می کردید، چون که او درباره من نوشته است. اما چون نوشته های او را تصدیق نمی کنید، پس چگونه سخنهای مرا قبول خواهید کرد.) (انجیل یوحنا، باب ۵، آیه ۴۵ و ۴۶، صفحه ۱۵۳، ط. ل)

رهنمودهای اخلاقی مشترک میان قرآن و انجیل

همچنان که در تورات به بیان احکام پرداخته شده است و بخشهای عمده ای از آن به این امر اختصاص دارد، سرتاسر انجیل دستورات ارشاد گونه ای است که منسوب به عیسی مسیح(ع) می باشد و به وسیله انجیل نویسان چهارگانه (متی، مرقس، لوقا، یوحنا) که انجیل های کنونی بد آنها منتسب است بیان شده و به رشته تحریر درآمده است. بخشی از رهنمودهای اخلاقی انجیل، همسو و هماهنگ با موعظه های قرآنی است، از آن جمله:

* خدمت بی منت و تصدق پنهانی

در قرآن کریم آمده است:

(إِن تَبَدُّوا الصَّدَقَاتِ فَنِعْمًا هِيَ وَ إِنْ تَخْفَوْهَا وَ تَوْتَوْهَا الْفُقَرَاءَ فَهِيَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَ يَكْفُرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ) بقره / ۲۷۱

اگر آشکارا صدقه دهید پس نیکو است، ولی اگر مخفیانه انجام داده در نهان به فقرا کمک کنید، آن برایتان بهتر است و گناهان شما را می پوشاند.

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَ الْأَذَىٰ كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ) بقره / ۲۶۴

ای ایمان آورندگان! صدقه های خویش را با منت و اذیت باطل مسازید، مانند کسی که مالش را به ملاحظه نگاه مردم و نمایاندن به آنان انفاق می کند و ایمان به خدا و روز آخر نمی آورد.

در انجیل می خوانیم:

(و نظر کنید که نکنید رحم بر کسی در برابر مردمان تا ببینند شما را، و اگر چنین کنید نخواهد بود برای شما ثوابی و مزدی... هرگاه رحم کردی پس به آواز بلند آن رحم را مگو، چنانکه می کنند جماعت ریاکاران در مجمع ها و بازارها، تا مردم ایشان را بزرگ شمارند. حق را می گویم به شما، به تحقیق که گرفته اند این جماعت مزد خود را، و هرگاه رحم کنی بر کسی پس نداند دست چپ تو به آنچه کرده دست راست تو، تا بوده باشد تصدق تو پنهان، و پدر تو که ببیند پنهان را عوض می دهد به تو آشکار.) (انجیل متی، فصل نهم، صفحه ۷۷، ت. خ)

و نیز در فصل دهم انجیل متی می خوانیم:

(... و هرگاه نماز گزارید پس مبادید مانند ریاکاران... و هرگاه روزه دار باشید روی خود را برهم کشیده نمایید به مردم، مانند ریاکاران...)

* سلام کردن، هنگام ورود

در قرآن آمده است:

(فاذا دخلتم بیوتاً فسلموا علی أنفسکم تحیة من عندالله) نور / ۶۱

هنگامی که به خانه ای وارد می شوید، پس سلام کنید بر خودتان سلام کردنی از نزد خدا.

در انجیل: (... و هرگاه داخل خانه شوید سلام کنید بر اهل خانه...) (انجیل متی، فصل بیست و

هفتم، صفحه ۸۷، ت. خ)

* بخشایش خطای دیگران

در قرآن مجید فرموده است:

(ولیعفو و لیصفحوا ألا تحبون ان یغفرالله لکم و الله غفور رحیم) نور / ۲۲

و باید عفو کنند و باید درگذرند، آیا دوست ندارید خداوند شما را ببخشد و خدا آمرزنده مهربان است.

در انجیل: (... زیرا هرگاه تقصیرات مردم را بدیشان بیامرزید، پدر آسمانی شما، شما را نیز خواهد

آمرزید. اما اگر تقصیرهای مردم را نیامرزید، پدر شما هم تقصیرهای شما را نخواهد آمرزید.) (انجیل

متی، باب ۶، آیات ۱۴ و ۱۵، صفحه ۸، ط. ل)

(و وقتی که به دعا بایستید، هرگاه کسی به شما خطا کرده باشد او را ببخشید، تا آن که پدر شما

نیز که در آسمان است خطایای شما را معاف دارد. اما هرگاه شما نبخشید، پدر شما نیز که در

آسمان است تقصیرهای شما را نخواهد بخشید.) (انجیل مرقس، باب ۱۱، آیات ۲۵ و ۲۶، صفح ه

۷۴، ط. ل)

اما انجیل در این زمینه عباراتی ناهمساز با فطرت و مصالح جامعه انسانی دارد که نوعی تفسیر افراط

گونه و غلط برای صبر و مدارا در برابر دشواری ها و گذشت از خطای خطاکاران است.

(... لیکن من به شما می گویم با شریر مقاومت نکنید، بلکه هر که به رخساره راست تو طپانچه

زند دیگری را نیز به سوی او بگردان، و اگر کسی خواهد با تو دعوی کند و قبای تو را بگیرد عبای

خود را نیز بدو واگذار. و هرگاه کسی تو را برای یک میل مجبور سازد دو میل همراه او برو.) (انجیل

متی، باب ۵، آیات ۳۹ تا ۴۱، ط. ل، صفحه ۷)

واین همان ظلم پذیری و پرورش ظالم است که قرآن مجید و روایات اسلامی به شدت آن را نفی کرده اند.

* نیکی به پدر و مادر

در قرآن مجید می خوانیم:

(وقضى ربك ألا تعبدوا إلا إياه وبالوالدين إحساناً) اسراء/ ۷۳

و خدایت حکم نموده است که جز او را پرستش نکنید و به پدر و مادر نیکی کنید.

در انجیل می خوانیم:

(... زیرا خدا حکم کرده است که مادر و پدر خود را حرمت دار، و هر که پدر یا مادر را دشنام دهد

البته هلاک گردد.) (انجیل متی، باب ۱۱، آیه ۴، صفحه ۲۵، ط. ل)

(پدر و مادر خود را حرمت دار و همسایه خود را مثل نفس خود دوست دار.) (همان، آیه ۲۰، باب

۱۹، صفحه ۳۲)

(از این جهت که موسی گفت پدر و مادر خود را حرمت دار، و هر که پدر یا مادر را دشنام دهد البته

هلاک گردد.) (انجیل مرقس، باب ۷، آیه ۱۰، ط. ل، صفحه ۶۵)

* عزت خواستن از درگاه خداوند و نه مردم

در قرآن کریم فرموده است:

(الذين يتخذون الكافرين أولياء من دون المؤمنين أيبغون عندهم العزة فان العزة لله جميعاً) نساء/

کسانی که به جای مؤمنین، کفار را دوستان خویش برمی گزینند، آیا عزت و سربلندی را نزد آنان

می جویند؟ پس بدرستی که عزت، به تمامی برای خدا است.

در انجیل آمده است:

(... چگونه ممکن است ایمان شما، و حال آن که از یکدیگر قبول بزرگی می کنید و طلب نمی

کنید بزرگی را از خدای یگانه...) (انجیل یوحنا، فصل دوازدهم، صفحه ۲۵۶، ت. خ)

رویدادهای قیامت

* تحولات طبیعت در آستانه رستاخیز

در قرآن می خوانیم:

(إذا السماء انفطرت. و إذا الكواكب انتثرت. و إذا البحار فجرت. و إذا القبور بعثرت) انفطار/ ۴ - ۱

آن گاه که آسمان بشکافد. و آن گاه که ستارگان پراکنده شوند. و آن گاه که دریاها به هم بپیوندند.

و آن گاه که قبرها زیر و رو گردند.

(إذا الشمس كورت. و إذا النجوم انكدرت. و إذا الجبال سيرت...) تکویر/ ۳ - ۱

چون خورشید بی فروغ شود. و چون ستارگان فروریزند. و چون کوهها از جای خود بشوند...

در انجیل مرقس آمده است:

(خورشید تاریک گردد. و ماه نور خود را بازگیرد. و ستارگان از آسمان فروریزند. و قوای افلاک

متزلزل خواهد گشت.) (باب ۱۳، آیات ۲۷ - ۲۴، ط. ل، صفحه ۷۸)

و در کتاب اعمال رسولان می خوانیم:

(... خورشید به ظلمت و ماه به خون مبدل گردد، قبل از وقوع روز عظیم شهود خداوند.) (باب ۲،

آیه ۲۰، صفحه ۱۸۹، ط. ل.)

* نقش فرشتگان در رستاخیز

در قرآن آمده است:

(وجاء ربك و الملك صفاً صفاً) فجر / ۲۲

و امر پروردگار تو فرا رسد، در حالی که فرشتگان صف در صف اند.

(و ترى الملائكة حاقين من حول العرش) زمر / ۷۵

فرشتگان را می بینی که گرد عرش حلقه زده اند.

در انجیل مرقس می خوانیم:

(در آن وقت فرشتگان خود را از جهات اربعه از انتهای زمین تا به اقتضای فلک فراهم خواهد

آورد...) (باب ۱۳ آیه ۲۷)

و در انجیل متی آمده است:

(اما چون پسر انسان در جلال خود با جمیع ملائک مقدس خویش آید، آن گاه بر کرسی جلال خود

خواهد نشست) (باب ۲۵، آیه ۳۱ و ۳۲)

* آگاهی به زمان رستاخیز، در انحصار خداوند

در قرآن فرموده است:

(و عنده علم الساعة و اليه ترجعون) زخرف / ۸۵

ونزد اوست دانش قیامت و به سوی او بازگردانیده می شوید.

(يستلک الناس عن الساعة قل إنما علمها عندالله) احزاب / ۶۳

مردم درباره زمان برپایی قیامت از تو می پرسند، بگو آگاهی آن فقط نزد خداوند است.

و در انجیل مرقس آمده است:

(... ولی از آن روز و ساعت غیر از پدر هیچ کس اطلاع ندارد، نه فرشتگان در آسمان و نه پسرهم،

پس بر حذر و بیدار شده دعا کنید، زیرا نمی دانید که آن وقت کی می شود.) (باب ۱۳، آیه ۳۳ -

۳۰)

* دمیده شدن در صور

در قرآن می خوانیم:

(يوم ينفخ فى الصور فتأتون أفواجا) نبأ / ۱۸

روزی که در صور دمیده شود، پس مردم گروه گروه، گردآیند.

(و ينفخ فى الصور فإذا هم من الأجدات إلى ربهم ينسلون) يس / ۵۱

در انجیل یوحنا می خوانیم:

(به درستی که زود باشد که بیاید ساعتی که بشنود در آن ساعت همه اهل قبور آواز او را، و بیرون آیند گروهی که کارهای نیکو کرده باشند به جانب قیامت حیات، و جماعتی که کارهای بد کرده باشند به جانب قیامت عذاب.) (ص ۲۵۵، ت. خ)

در رساله اول پولس رسول به قرن‌تیان می خوانیم:
(... در لحظه ای در طرفه العینی به مجرد نواختن صور اخیر، زیرا کرنا صدا خواهد داد و مردگان بی فساد خواهند برخاست.) (باب ۱۵، آیه ۵۳ - ۵۲، صفحه ۲۸۴، ط. ل)
رساله دوم پطرس رسول:

(... لکن روز خداوند چون دزد [آرام و غافلگیرانه] خواهد آمد، که در آن آسمانها به صدای عظیم زائل خواهند شد، و عناصر سوخته شده از هم خواهد پاشید.) (باب ۳، آیه ۱۰ و ۱۱، صفحه ۳۸۴، ط. ل)

* جداسازی نیکان و بدان در قیامت

در قرآن می خوانیم:

(و یوم تقوم الساعة یومئذ یتفرقون. فأما الذین آمنوا و عملوا الصالحات فهم فی روضةً یحبرون. و أما الذین کفروا و کذبوا بآیاتنا و لقائ الأخره فاولئک فی العذاب محضرون) روم/ ۱۶ - ۱۴
و چون قیامت بر پا شود، از یکدیگر جدا شوند، پس آنان که اهل ایمان و عمل نیک بوده اند، در باغی به شادمانی پردازند و اما آنان که کفر ورزیدند و آیات ما را تکذیب کرده و دیدار آخرت را دروغ انگاشته باشند، در عذاب احضار شوند.

و در انجیل متی آمده است:

(اما چون پسر انسان در جلال خود با جمیع ملائکه مقدس خویش آید، آن گاه بر کرسی جلال خود خواهند نشست و جمیع امتها در حضور او جمع شوند و آنها را از یکدیگر جدا می کند به قسمی که شبان میشها را از بزها جدا می کند.) (باب ۲۵، آیه ۳۱ - ۳۵)

* اصحاب یمین و اصحاب شمال

در قرآن فرموده است:

(و أصحاب الیمین ما أصحاب الیمین. فی سدر مخضود. و طلع منضود. و ظلّ ممدود... و اصحاب الشمال ما أصحاب الشمال. فی سموم و حمیم. و ظلّ من یحموم) واقعه/ ۲۷ - ۴۳
و اصحاب یمین و سعادت، چه می دانی که چه حال دارند؟ در زیر درختان سدر بی خار. و درخت موزی که میوه اش بر یکدیگر چیده شده. و سایه ساری همیشگی... و اما اصحاب شمال و شقاوت چه می دانی که چه حال دارند! در باد سموم و آب جوشانند. در سایه ای از دود سیاه...
و در انجیل متی آمده است:

(و آنها را از همدیگر جدا می کند به قسمی که شبان میشها را از بزها جدا می کند و میشها را بر دست راست و بزها را بر چپ خود قرار دهد. آن گاه پادشاه به اصحاب راست گوید: بیایید ای برکت یافتگان از پدر من و ملکوتی را که از ابتدای عالم برای شما آماده شده است به میراث گیرید...)

پس اصحاب طرف چپ را گوید: ای ملعونان از من دور شوید، در آتش جاودانی که برای ابلیس و فرشتگان او مهیا شده است. (باب ۲۵، آیات ۳۳ / ۴۳)

* قیامت روز جزا و پاداش

در قرآن می خوانیم:

(يَنْبُؤُا الْاِنْسَانَ يَوْمِئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَاٰخِرَ) قیامت / ۱۳

انسان در قیامت از آنچه انجام داده و پیش فرستاده و پس از خود بر جای نهاده، آگاه می گردد. (یومئذ یصدر الناس اُشتاتاً لیروا اَعمالهم. فمن یعمل مثقال ذرّة خیراً یره. و من یعمل مثقال ذرّة شراً یره) زلزال / ۸ - ۶

در آن روز مردم پراکنده از قبرها بیرون می آیند تا اعمالشان را به آنها بنمایانند. پس هر کسی به وزن ذره ای نیکی کرده باشد آن را می بیند. و هر کس به وزن ذره ای بدی کرده باشد آن را می بیند.

در انجیل متی، فصل ۳۵ آمده است:

(و می گویم به شما که هر سخنی که گوید آن را آدمی از روی بطالت و بدی، در روز قیامت به سبب آن حسابی و جزایی خواهد داشت.)

* طول روزهای قیامت

در قرآن می خوانیم:

(و یستعجلونک بالعذاب و لن یخلف الله وعده و إنّ یوماً عند ربّک کألف سنه ممّا تعدّون) حج / ۴۷
[کافران] با بی صبری و شتاب از تو خواهان نزول عذاب هستند، و البته خداوند در انجام وعده های خود هرگز تخلف نخواهد کرد، و همانا یک روز نزد پروردگار تو مانند هزار سال از سالهایی است که شما می شمارید.

در رساله دوم پطرس رسول آمده است:

(لکن آسمان و زمین الآن به همان کلام برای آتش ذخیره شده و تا روز داوری و هلاکت مردم بی دین نگاه داشته شده اند، لکن ای حبیبان این یک چیز از شما مخفی نماند که یک روز نزد خدا، چون هزار سال است و هزار سال چون یک روز.) (باب ۳ / ۷ و ۸)

عادت ها و پرستش ها

* نماز و دعا به درگاه خداوند

در قرآن می خوانیم:

(ان الصلاة کانت علی المؤمنین کتاباً موقوتاً) نساء / ۱۰۳

همانا نماز از واجباتی است که دارای وقت معین است و از گذشته بر مؤمنان واجب بوده است.

در انجیل نیز در چند مورد از (نماز) یاد شده است:

(در وقتی که یسوع نماز می کرد در بیابانی بی آب و علف و فارغ شد، گفت یکی از شاگردان که ای پروردگار! نماز را به ما تعلیم کن تا نماز کنیم، چنانکه یوحنا شاگردان خود را تعلیم کرد. گفت هرگاه نماز کنید بگویید: ای پدر ما که در آسمانی پاک است نام تو می آید پادشاهی تو می شود

خواسته تو چنانکه در آسمان است چنین بر زمین است، نان ما به قدری که بس باشد ما را بده به ما در این روز، بیامرز برای ما گناهان ما را برای آن که ما می‌آموزیم کسی را که ما را بر او حقی است، و داخل مکن ما را در آزمایشها لیکن نجات ده ما را از بدکار. (انجیل لوقا، فصل چهل و دوم [باب یازدهم]، صفحه ۲۰۷، ت. خ)

(و چون عبادت کنی مانند ریاکاران مباش زیرا خوش دارند که در کنایس و گوشه های کوچه ها ایستاده نماز گزارند تا مردم ایشان را ببینند ...) (انجیل متی، باب ششم، آیه ۵، ط. ل)
در انجیل (برنابا) نیز بارها به این فریضه الهی اشاره شده است:

(... پس چون یسوع از نماز صبح فارغ شد...) (انجیل برنابا، فصل یکصد و ششم، آیه ۱۹۸)
(... زیرا که انسان در هر کلمه قبیحه گناه می‌کند و خدای ما گناه او را به نماز محو می‌فرماید، زیرا که نماز همانا شفیع نفس است، نماز همانا دوی نفس است، نماز همانا حفظ دل است، نماز همانا سلاح ایمان است...) (همان، فصل یکصد و نوزدهم، آیه ۱۰ - ۱۶، صفحه ۲۱۷)
(... نماز کنید بدون انقطاع...) (همان، فصل سی و ششم، (ج) آیه ۸، صفحه ۹۹)

* دعا

در قرآن می‌خوانیم:

(أدعوا ربکم تضرعاً و خفیةً انه لایحبّ المعتدین) اعراف/ ۵۵

پروردگارتان را بخوانید در حال تضرع و بیم، همانا او متجاوززان و سرکشان را دوست ندارد.

در انجیل متی آمده است:

(سؤال کنید که به شما داده خواهد شد، بطلبید که خواهید یافت، بگویید که برای شما باز کرده خواهد شد، زیرا هر که سؤال کند یابد، و کسی که بطلبد دریافت کند، و هر که بگوید برای او گشاده خواهد شد.) (باب ۷ آیه ۷ و ۸)

در انجیل مرقس آمده است:

(بنابراین به شما می‌گویم آنچه در عبادت سؤال می‌کنید، یقین بدانید که آن را یافته اید و به شما عطا خواهد شد و وقتی که به دعا می‌ایستید.) (باب ۱۱ آیه ۲۴)

* روزه

در قرآن مجید می‌فرماید:

(یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم لعلکم تتقون)

بقره/ ۱۸۳

ای ایمان آورندگان، روزه بر شما واجب شد چنانکه بر کسانی که پیش از شما بودند نیز واجب شده بود، شاید شما پرهیزکار شوید.

در انجیل آمده است:

(اما چون روزه دارید مانند ریاکاران ترش رو مباشید، زیرا که صورت خویش را تغییر می‌دهند تا در نظر مردم روزه دار نمایند، هر آینه به شما می‌گویم اجر خود را دریافته‌اند. لیکن تو چون روزه

داری سر خود را تدهین کن و روی خود را بشوی. تا در نظر مردم روزه دار نمایی ...) (انجیل متی، باب ششم، آیات ۱۶ تا ۱۸، ط . ل)

(و شاگردان یحیی و فریسیان روزه می داشتند پس آمده بدو گفتند چون است که شاگردان یحیی و فریسیان روزه می دارند و شاگردان تو روزه نمی دارند. عیسی بدیشان گفت آیا ممکن است پسران خانه عروسی مادامی که داماد با ایشان است روزه بدارند، زمانی که داماد را با خود دارند نمی توانند روزه دارند، لیکن ایامی می آید که داماد از ایشان گرفته شود در آن ایام روزه خواهند داشت.) (انجیل مرقس، باب ۲، آیات ۱۸ و ۱۹، ط . ل، صفحه ۵۶)

(... پس از این رو شیطان می خواهد که او را وادارد بر روزه نگرفتن، درحالی که از احوال به شبهه مرض.) (برنابا، فصل یکصد و هفتم، آیه ۱۷، صفحه ۲۰۰)

ولی چگونگی نماز و روزه را در شریعت عیسی (علیه السلام) حتی به گونه اجمال از انجیل‌های کنونی نمی توان دریافت و اختلافش را با آنچه در شریعت اسلام آمده تعیین کرد، بلکه این انجیلها تنها به وجود آنها در آن کیش اعتراف دارند.

تمثیلهای همگون و مشابه

اکنون به مواردی از مثالها اشاره می کنیم که در دو متن قرآن کریم و انجیل آورده شده وهمسویی و همانندی بین آنها در شکل و محتوا دیده می شود:

۱. قرآن کریم:

(أفمن أسس بنيانه على تقوى من الله و رضوان خير أم من أسس بنيانه على شفا جرف هار فانهار به في نار جهنم) توبه / ۱۱۱

آیا پس آن که بنایش را بر پرهیزکاری از خدا و خوشنودی بنیاد نهاده باشد، بهتر است یا آن که اساس نهاده باشد بنایش را بر کنار گذرگاه سیل خالی شده شکست خورده، پس فرود آید با آن در آتش دوزخ.

در انجیل آمده است:

(پس هر که بشنود سخنان مرا و عمل کند به آنها مانند مرد عاقلی است که بنا کند خانه خود را بر بالای سنگی، پس ببارد و روان شود نهرها و بوزد بادها، و بخورد بر آن خانه پس خراب نمی شود آن خانه برای آن که بنای آن خانه بر سنگ است. و هر کس نشنود سخنان را و عمل نکند به این سخنان، مانند مرد نادانی است که بنا کرده باشد خانه خود را بر روی ریگ روان، پس ببارد بارانها و روان شود نهرها و بوزد بادها و برسد به آن خانه، پس خراب شود و بیفتد، و بوده باشد خراب شدن آن خانه بسیار بزرگ.) (انجیل متی، فصل چهاردهم، صفحه ۸۱، ت . خ) ۲. نیز در قرآن آمده است:

(ان الذين كذبوا بآياتنا و استكبروا عنها لا تفتح لهم أبواب السماء و لا يدخلون الجنة حتى يلج الجمل في سم الخياط و كذلك نجزي المجرمين) اعراف / ۳۹

آنان که نشانه های ما را تکذیب کردند و از پذیرش حق استکبار ورزیدند، برای ایشان درهای آسمان گشوده نمی شود، و به بهشت وارد نخواهند شد مگر وقتی که درآید شتر در سوراخ سوزن، و این چنین جزا دهیم گناهکاران را.

در انجیل متی آمده است:

(... و نیز می گویم داخل شدن شتر در سوراخ سوزن، آسان تر از داخل شدن مالدار در ملکوت آسمانها...)

(انجیل متی، فصل شصت و یکم، صفحه ۱۱۰، ت. خ)

در قرآن کریم می خوانیم:

(یا ایها الناس ضرب مثل فاستمعوا له ان الذین تدعون من دون الله لن یخلقوا ذباباً و لو اجتمعوا له)
حج/۷۳

ای مردمان مثلی زده شد پس گوش بدارید، آنان را که جز خدا می خوانید و پرسش می کنید هرگز قادر نیستند که مگسی بیافرینند، هر چند توانهایشان را مجتمع سازند.

و در انجیل برنابا فصل شصت و سوم آیه ۱۴ چنین آمده است:

(زیرا اگر همه آفریدگان جمع شوند، هر آینه آنها را نمی رسد که یک مگس تازه بیافرینند از هیچ، و این همانا مراد از آفریدن است.) (ص ۱۳۸)

سیمای پیامبران در قرآن و انجیل

در مقایسه بین قرآن و انجیلهای کنونی در یاد کرد از پیامبران، قرآن کریم در این زمینه آیات بیش تری را به این امر اختصاص داده و با نام بردن تعدادی از سفیران حق به شرح زندگانی برخی از آنان مانند آدم، نوح، ابراهیم، لوط، موسی، عیسی علیهم السلام... و محمد د (ص) پرداخته است. حال آن که در انجیل از تعداد اندکی از رسولان نام برده شده و گذشته از عیسی (ع) و یحیی (ع) از سایر پیامبران یاد شده در قرآن مجید، یا اسمی به میان نیامده و یا به اندک یادکردی قناعت شده است. ولی در سایر عهد جدید در این زمینه تفصیل بیش تری (نه مانند قرآن) به چشم می خورد که با توجه به انجیل و تمام عهد جدید به مقایسه می پردازیم.

آدم (ع)

در عهد جدید آمده است:

(... زیرا که آدم اول ساخته شد و بعداً حوا، و آدم فریب نخورد، بلکه زن فریب خورده در تقصیر گرفتار شد.)

(رساله اول پولس رسول به تیموتائس، باب ۲ آیه ۱۴، ط. ل، صفحه ۳۳۶)

(لیکن می ترسم که چنانکه مار به مکر خود حوا را فریفت، همچنین خاطر شما هم از سادگی که در مسیح است فاسد گردد.)

(رساله دوم پولس رسول به قرنتیان، باب ۱۱، آیه ۳، صفحه ۲۹۶، ط. ل)

... نه مثل قائن (قابیل) که از آن شریر بود و برادر خود را کشت از این سبب که اعمال خودش قبیح بود و اعمال برادرش نیکو.

(رساله اول یوحنا رسول، باب ۳، آیه ۱۲ و ۱۳، صفحه ۳۸۸ و ۳۸۹، ط. ل)

در قرآن کریم می خوانیم:

(یا ایها الذین اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحدة و خلق منها زوجها)

نساء / ۱

ای مردم تقوای پروردگار خویش پیش گیرید. آن چنان خدایی که شما را از یک نفس (آدم) آفرید، و از او همسرش را آفرید.

(فوسوس لهما الشیطان... فدلّیها بغرور... اعراف / ۲۰ - ۲۲)

پس آن دو را (آدم و حوا) شیطان وسوسه کرد... پس آن دو را با فریب (به درخت نهی شده) نزدیک نمود.

(و اتل علیه نبأ ابنی آدم بالحقّ إذ قرّباً قرباناً فتقبّل من أحدهما و لم یتقبّل من الآخر قال لأقتلنک قال إنّما یتقبّل الله من المتقین) مائده / ۲۷

و بر آنان سرگذشت دو پسر آدم را به حق تلاوت کن، هنگامی که قربانی را پیشکش کردند، پس از یکی از آنها قبول شد و از دیگری قبول نشد. گفت هر آینه تو را می کشم، همانا خداوند از متقین فقط می پذیرد.

مشترکات

با دقت در متونی که آوردیم به سه نقطه مشترک دست می یابیم:

۱. خلقت اولیه آدم و در مرحله بعد حوا. ۲. کشتن قابیل هابیل را. ۳. پذیرفته شدن عمل هابیل.

و در مقابل، دو مورد اختلافی نیز دیده می شود:

۱. در قرآن کریم، شیطان به عنوان عامل فریفتن عنوان شده و در عهد جدید، مار.

۲. در قرآن، فریفته شدن به هر دو (آدم و حوا) نسبت داده شده و در عهد جدید، تنها به حوا.

نوح(ع)

در عهد جدید چنین آمده است:

... به ایمان نوح چون در باره اموری که تا آن وقت دیده نشده الهام یافته بود، خدا ترس شده، کشتی جهت اهل خانه خود بساخت و به آن دنیا را ملزم ساخته وارث آن عدالتی که از ایمان است گردید.

(رساله به عبرانیان، باب ۱۱، آیه ۷، ط. ل، صفحه ۳۶۲)

... هنگامی که حکم خدا در ایام نوح انتظار می کشید کشتی بنا شد که در آن جماعتی قلیل یعنی هشت نفر به آب نجات یافتند...

(رساله اول پطرس رسول، باب ۳، ط. ل، آیه ۲۰، صفحه ۳۷۸)

و در قرآن کریم می خوانیم:

(... قلنا احمل فيها من كل زوجين اثنين و اهلك إلا من سبق عليه القول و من آمن و ما آمن معه الا قليل)

گفتیم: از هر نر و ماده دو تا و نیز خاندان خود را در کشتی بنشان، مگر آن کسی را که حکم از پیش درباره اش صادر شده باشد، و نیز آنهایی را که به تو ایمان آورده اند و جز اندکی به او ایمان نیاورده بودند.

در عهد جدید چنانکه مشاهده می شود در مورد نوح(ع) به چند موضوع کلی تصریح و یا به صورت ضمنی و گذرا اشاره شده است. مانند نوح(ع)، طوفان، ساختن کشتی، رهایی یافتن اندکی و غرق شدن دیگران، در صورتی که قرآن کریم به گونه مشروح به برخی از جزئیات نیز پرداخته است.

ابراهیم(ع)

در عهد جدید:

(خدای ذوالجلال بر پدر ما ابراهیم ظاهر شد، وقتی که در جزیره بود، قبل توقفش در حرآن، و بدو گفت از وطن خود و خویشانت بیرون شده بر زمینی که تو را نشان دهم برو، پس از دیار کلدانیان روانه شده در حرآن درنگ نمود... و عهد ختنه را به وی داد که بنابراین چون اسحق را آورد در روز هشتم او را مختون ساخت و اسحق یعقوب را.)

(اعمال رسولان، آیه ۳ تا ۱۰، صفحه ۱۹۷، ط. ل.)

(... به ذریت شرعی بلکه به ذریت ایمانی ابراهیم نیز که پدر جمیع ما است... که او در ناامیدی به امید ایمان آورد تا پدر امتهای بسیار شود، بر حسب آنچه گفته شد که ذریت تو چنین خواهند بود و در ایمان کم قوت نشده نظر کرد به بدن خود که در آن وقت مرده بود، چون که قریب به صد ساله بود، و به رحم مرده ساره، و در وعده خدا از بی ایمانی شک ننمود، بلکه قوی الایمان گشته خدا را تمجید نمود.)

(رساله پولس رسول به رومیان، باب ۴، آیه ۱۷، ط. ل.، صفحه ۲۴۷)

(به ایمان ابراهیم چون امتحان شد اسحق را گذرانید، و آن که وعده ها را پذیرفته بود پسر یگانه خود را قربانی کرد. که به او گفته شده بود که نسل تو به اسحق خوانده خواهد شد) (رساله به عبرانیان، باب ۱۱، آیه ۱۷، ط. ل.، صفحه ۳۶۳)

(آیا پدر ما ابراهیم به اعمال عادل شمرده نشد وقتی که پسر خود اسحق را به قربانگاه گذرانید.) (رساله یعقوب باب ۲ آیه ۲۱ ص ۲۷۰ ط. ل.)

و در انجیل برنابا نیز فرازهایی در این راستا آمده است:

(... و چون همه کس از هیکل باز گشتند، کاهنان هیکل را قفل زدند و رفتند، پس آن وقت ابراهیم تبر را گرفت و قوائم همه بتان را قطع فرمود، مگر خدای بزرگ بعل را. پس تبر را نهاد نزد قوائم او میان خُرده های پیکرانی که قطعه قطعه ریخته شده بودند، زیرا که قدیم العهد و ت الیف شده از اجزاء بودند، و چون ابراهیم از هیکل بیرون می شود جماعتی از مردم او را دیدند، پس گمان نمودند که او داخل شده تا چیزی از هیکل بدزدد، پس او را گرفتند، و چون او را به هیکل رساندند و دیدند که خدایان ایشان قطعه قطعه شکسته شده اند، ناله کنان فریاد زدن د: زود باشید ای قوم و

باید بکشیم آن را که خدایان ما را کشته، پس قریب ده هزار مرد با کاهنان به سوی آنجا رخ نمودند و از ابراهیم پرسیدند از علتی که به واسطه او خدایان ایشان را خرد کرده بود. ابراهیم جواب داد: بدرستی که شما هر آینه کودکان هستید، مگر انسان خدا را می کشد؟ بدرستی که آن که کشته است آنها را، جز این نیست که او آن خدای بزرگ است، مگر نمی بینید تبری که او را است نزد دو قدم او. او برای خود همسران نمی خواهد... پس قوم مقدار بزرگی از هیزم جمع کردند و دو دست و پای ابراهیم را بستند و او را ب

ر هیزم نهادند و زیر او آتش نهادند، پس آن وقت خدای به واسطه فرشته خود جبرئیل به آتش امر فرمود که بنده او ابراهیم را نسوزاند... (انجیل برنابا، فصل ۲۸، صفحه ۸۶ و ۸۷)
(... آن وقت به دور خویش نگریست و نظر در ستارگان و ماه و آفتاب انداخت، پس گمان نمود آنها خدایند، و لیکن پس از اندیشه نمودن در تغیرات و حرکات آنها فرمود که واجب است که بر خدای حرکت عارض نشود) (همان، فصل ۲۹، صفحه ۸۷)
قرآن کریم:

(و اذ قال ابراهیم ربّ اجعل هذا البلد آمناً... ربّنا انّی اُسکنت من ذرّیتی بواد غیر ذی زرع عند بیتک المحرّم...) ابراهیم / ۳۹ و ۴۱

و چون گفت ابراهیم ای پروردگار من بگردان این شهر مکه را امن... ای پروردگار من بدرستی که من ساکن گردانیدم برخی از فرزندانم را به دامن کوهی غیر خداوند زراعت، نزد خانه تو که حرام گردانیده شده... (نقل از ترجمه شعرانی(ره))

(... و بشّروه بغلام علیم. فأقبلت امرأته فی صرّة فصکّت وجهها و قالت عجوز عقیم. قالوا کذلک قال ربّک إنّهُ هو الحکیم العلیم) ذاریات / ۲۹ - ۳۱

... و مژده دادند او را به پسری دانا. پس شروع کرد زنش در فریاد، پس زد به رویش و گفت پیرزنی نازائیده ام، گفتند همچنین فرموده پروردگارت که اوست درستکار دانا.

(... فنظر نظره فی النجوم. فقال انّی سقیم. فتولّوا عنه مدبرین. فراغ إلی آلهمتهم فقال ألا تأکلون. مالکم لاتنطقون. فراغ علیهم ضرباً بالیمین. فأقبلوا إلیه یزقون. قال أتعبدون ماتنحتون... قالوا ابنوا له بنیاناً فألقوه فی الجحیم... فبشّرناه بغلام حلیم. فلما بلغ معه السعی قال یا بنی انّی أری فی المنام أنّی أذبحک...) صافات ۸۷ تا ۱۰۲

... پس نگریست نگریستنی در نجوم. پس گفت بدرستی که من بیمارم. پس اعراض کردند از او پشت کنندگان. پس به چاره جویی رفت بسوی الهان شان، پس گفت آیا چرا نمی خورید؟ چیست مر شما را که سخن نمی گوید. پس رفت بر ایشان زدنی به دست راست. پس رو آوردند به سوی او می شتافتند. گفت آیا می پرستید آنچه را که می تراشید... گفتند بنا کنید برای او بنایی، پس بیندازید او را در آتش بسیار شعله دار انبوه... پس مژده دادیمش به پسری بردبار. پس رسید با او کوشش را گفت ای پسرک من بدرستی که من می بینم در خواب که ذبح می کنم تو را... (نقل از ترجمه علامه شعرانی(ره))

(ملّة ابراهیم...) حج / ۷۸

در عهد قدیم (تورات) در سفر پیدایش باب ۱۲ و ۱۶ و ۱۸ و ۱۹، به گونه مشروح به قضایای ابراهیم(ع) پرداخته شده و اگر چه برخی از مطالب آن با قرآن کریم همسویی دارد، ولی دروغهایی نیز عنوان شده که آنچه در خور نویسندگان آن ترهات بوده (مانند داستان سارا و اهل مصر و ابراهیم(ع)) به آن پیامبر بزرگ الهی نسبت داده شده است.

ولی در انجیل‌های چهارگانه چندان یادکردی از آن مرد بزرگ به چشم نمی خورد. و در همین مختصر عباراتی که از عهد جدید آوردیم به چهار موضوع اشاره شده که می توانند با چشم پوشی از جزئیات از موارد مشترک قرآن و عهد جدید به شمار آیند:

۱. هجرت ابراهیم(ع). ۲. ابراهیم، پدر امت. ۳. صاحب فرزند شدن وی در پیری. ۴. فرمان امتحانی الهی به ذبح فرزندش.

ولی قرآن کریم در موارد بسیاری از ابراهیم(ع) به بزرگی یاد کرده است تا آنجا که فرموده است:

(و ابراهیم الذی وقى...) نجم / ۳۷

ابراهیمی که (حق بندگی را) بطور کامل ادا نمود.

و اما انجیل برنابا همچون سایر موارد، همانندی بسیاری چنانکه پیداست با آنچه در قرآن کریم در این خصوص آمده دارد. البته بخش دیگری از آیات مربوطه که همسویی نزدیک با متن برنابا دارد، در سوره انبیاء آیات ۶۰ تا ۷۰ است که می توان بدان مراجعه کرد.

لوط(ع)

در انجیل آمده است:

(... مانند واقعه ای است که واقع شد در زمان لوط(ع) که مردم می خوردند و می آشامیدند و خرید و فروش می کردند و درخت می نشانیدند و عمارت بنا می کردند، تا روزی که بیرون آمد لوط از سدوم و بارید از آسمان آتش کبریتی، پس هلاک کرد همه ایشان را...) (انجیل لوقا، فصل ۶۲، باب ۱۷، ت. خ، صفحه ۲۲۴)

در سایر عهد جدید: (... و لوط عادل را که از رفتار عاجزانه بی دینان رنجیده بود رهانید، زیرا که آن مرد عادل در میانشان ساکن بود، از آنچه می دید و می شنید دل صالح خود را به کارهای قبیح ایشان هر روزه رنجیده می داشت.) (رساله دوم پطرس رسول، باب ۲، آیه ۷ و ۸، ط. ل)

و در قرآن کریم می فرماید:

(فأخذتهم الصيحة مشرقين. فجعلنا عاليها سافلها وأمطرنا عليهم حجارة من سجيل) حجر / ۷۳ و ۷۴

پس فریادی هلاک کننده آنها (قوم لوط) را در حالی که داخل شوندگان در صبح بودند گرفت. پس زیر آن را زیر قرار داریم و بارانیدیم بر آنها سنگی از سنگ گل.

(و لما جاءت رسلنا لوطاً ساء بهم و ضاق بهم ذرعاً و قال هذا يوم عصيب. و جاء قومهم يهرعون اليه

و من قبل كانوا يعملون السيئات...) هود / ۷۷ و ۷۸

و چون فرستادگان ما لوط را آمدند به خاطر آنها بد آمد او را و ذرعش به سبب آنها تنگ شد. و گفت این روز دشواری است. و قومش شتابان به سوی او آمدند و از پیش بدیها را عمل می کردند. از بخشهای یادشده چنین می یابیم که نقطه های اشتراک قرآن و انجیل در داستان لوط از قرار زیر هستند:

۱. نزول عذاب آسمانی بر قوم لوط. ۲. رنجیدن لوط(ع) از رفتار فاجرانه قوم. ۳. هلاک همه قوم.

یونس(ع)

در انجیل می خوانیم:

(... چنانکه یونان بود در شکم ماهی سه روز و سه شب...) (انجیل متی، فصل ۳۶، صفحه ۹۴، ت .خ .)

در انجیل برنابا نیز آمده است:

(به یاد آرید که خدای برنابود نمودن نینوا عزم فرمود، زیرا که نیافت کسی را که از خدای بترسد در آن شهر که از بدی آن کار به جایی رسید که خدای یونان پیغمبر را خواند تا بفرستد او را به سوی آن شهر، پس فرار کرد به سوی طرسوس از ترس قوم. پس خدای او را در دریا انداخت، پس ماهی او را بلعید و او را نزدیک به نینوا بیرون انداخت، پس چون آنجا بشارت داد قوم به توبه برگشتند.) (انجیل برنابا، فصل ۶۳، آیات ۵ تا ۹، صفحه ۱۳۷)

قرآن مجید:

(و ان یونس لمن المرسلین، اذ أبق إلى الفلک المشحون... فالتقمه الحوت و هو ملیم... فنبذناه بالعاء و هو سقیم... و أرسلناه الی ماء الف أو یزیدون. فآمنوا فمتّعناهم الی حین) صافات / ۱۴۰ تا ۱۴۸

و بدرستی که یونس(ع) هر آینه از فرستاده شدگان بود. هنگامی که به سوی کشتی پر فرار کرد... پس ماهی او را بلعید و او سرزنش کننده بود... پس او را به سرزمینی بدون گیاه افکندیم در حالی که بیمار بود... و او را فرستادیم به سوی یکصد هزار یا بیش تر پس ایمان آوردند. پس آنه ا را بهره مند کردیم تا هنگامی.

یوسف(ع)

در عهد جدید آمده است:

(... و اسحق یعقوب را و یعقوب دوازده پطریارخ را، و پطریارخان به یوسف حسد برده او را به مصر فروختند، اما خدا با وی بود و او را از تمام خاندان خود فرمانفرما قرار داد... پس قحطی و ضیقی شدید بر همه ولایت مصر و کنعان رخ نمود، به حدی که اجداد ما قوتی نیافتند، اما چون یعقوب شنید که در مصر غله یافت می شود بار اول اجداد ما را فرستاده و در کرت دوم یوسف خود را به برادران نموده شناسانید، و قبیله یوسف به نظر فرعون رسیدند. پس یوسف فرستاده پدر خود یعقوب

و سایر عیالش را که هفتاد و پنج نفر بودند طلبید، پس یعقوب به مصر فرود آمده او و اجداد ما وفات یافتند.) (اعمال رسولان، آیات ۳ تا ۱۰ و ۱۱ تا ۱۶، صفحه ۱۹۷ و ۱۹۸، ط . ل.) در متنی که گذشت، به چند مورد در اطراف داستان یوسف(ع) اشاره شده است:

۱. به وجود آمدن یعقوب(ع) از اسحق(ع). ۲. دوازده پسران یعقوب(ع). ۳. حسد بردن برادران به یوسف(ع). ۴. فروختن وی به مصر. ۵. عطا شدن توفیق و حکمت به یوسف(ع). ۶. فرمانفرمایی او بر مصر. ۷. پدید آمدن قحطی در مصر. ۸. فرستادن یعقوب پسران خویش را جهت تهیه آذوقه به م صر. ۹. شناساندن یوسف(ع) خود را به برادران در دفعه دوم. ۱۰. طلبیدن وی پدر و برادرانش را برای سکونت در مصر. ۱۱. کوچ نمودن آنها به مصر.

با توجه به اینکه در قرآن کریم سوره ای به یوسف(ع) اختصاص داده شده است و داستان وی با تفصیل و پرداختن به برخی از جزئیات بیان شده است، ما تنها مواردی را که با این یازده مورد همسویی دارد از قرآن نقل می کنیم:

(... قال با بنی لاتقص رؤیاک علی إخوتک فیکیدوا لک کیداً) یوسف / ۵

گفت ای پسرک من حکایت منما خواب خویش را بر برادرانت که برایت کیدی خواهند نمود.

(... اذ قالوا لیوسف و أخوه أحبّ الی أبینا منا...) یوسف / ۸

هنگامی که گفتند هر آینه یوسف و برادرانش نزد پدرمان از ما گرامی تر است.

(... و قال الذی اشتريه من مصر لامرأته أکرمی مثویه) یوسف / ۲۱

و کسی که او را از مصر خریده بود به زنش گفت جایگاه او را گرامی دار.

(... و لما بلغ أشده آتیناه حکماً و علماً...) یوسف / ۲۲

و چون به بلوغ جسمانی و تکامل قوا رسید او را حکم و علم دادیم.

(... قال اجعلنی علی خزائن الارض إتی حفیظ علیم. و کذلک مکنا لیوسف فی الارض...) یوسف /

۵۵ و ۵۶

... گفت مرا قرارداده بر گنجهای زمین، بدرستی که من نگرهبانی دانایم و چنین برای یوسف در زمین تمکن دادیم.

(... ثم یأتی من بعد ذلک سبع شداد...) یوسف / ۴۸

سپس بعد از این، هفت سال شدید خواهد آمد.

(... و جاء إخوة یوسف فدخلوا علیه فعرّفهم و هم له منکرون) یوسف / ۵۸

و برادران یوسف آمده بر او داخل شدند پس او ایشان را شناخت و آنها او را نشناختند.

(... قالوا إنک لأنت یوسف قال أنا یوسف و هذا أخي) یوسف / ۹۰

... گفتند آیا بدرستی که تو هر آینه خودت یوسفی؟ گفت من یوسف و این برادر من است.

(... و أتونی بأهلکم اجمعین...) یوسف / ۹۳

با تمام اهل خویش به سوی من آید.

موسی(ع)

در عهد جدید آمده است:

(... در آن وقت موسی تولد یافت و بغایت جمیل بوده، مدت سه ماه در خانه پدر خود پرورش یافت، و چون او را بیرون افکندند دختر فرعون او را برداشته برای خود به فرزندگی تربیت نمود، و موسی در تمامی حکمت اهل مصر تربیت یافته در قول و فعل قوی گشت. چون چهل سال از عمر وی سپری گشت به خاطرش رسید که از برادران خود خاندان اسرائیل تفقد نماید، و چون یکی را مظلوم دید او را حمایت نمود و انتقام آن عاجز را کشیده آن مصری را بکشت، پس گمان برد که برادرانش خواهند فهمید که خدا به دست او ایشان را نجات خواهد داد، اما نفهمیدند. و در فردای آن روز خود را به دو نفر از ایشان که منازعه می نمودند ظاهر کرد و خواست ما بین ایشان مصالحه دهد، پس گفت ای مردان، شما برادر می باشید، به یکدیگر چرا ظلم می کنید؟ آن گاه آن که بر همسایه خود تعدی می نمود او را رد کرده گفت که تو را بر ما حاکم و داور ساخت، آیا می خواهی مرا بکشی چنانکه آن مصری را دیروز کشتی؟ پس موسی از این سخن فرار کرده در زمین مدیان غربت اختیار کرد و در آنجا دو پسر آورد.

و چون چهل سال گذشت در بیابان کوه سینا فرشته خداوند در شعله آتش از بوته به وی ظاهر شد. موسی چون این را دید از آن رؤیا در عجب شد، و چون نزدیک می آمد تا نظر کند خطاب از خداوند به وی رسید که منم خدای پدرانت خدای ابراهیم و خدای اسحق و خدای یعقوب، آن گاه موسی به لرزه آمد جسارت نکرد که نظر کند. خداوند به وی گفت نعلین از پایهایت بیرون کن، زیرا جایی که در آن ایستاده ای زمین مقدس است، همانا مشقت قوم خود را که در مصرند دیدم ناله ایشان را شنیدم و برای رهاییشان نزول فرمودم. الحال بیا تو را به مصر فرستم. همان موسی را که رد کرده گفتید که تو را حاکم و داور ساخت، خدا حاکم و نجات دهنده مقرر فرموده به دست فرشته ای که در بوته بروی ظاهر شد، فرستاده او با معجزات و آیاتی که مدت چهل سال در زمین مصر و بحر قلزم و صحرا به ظهور می آورد ایشان را بیرون آورد. این همان موسی است که به بنی اسرائیل گفت خدا نبی را مثل من از میان برادران شما برای شما مبعوث خواهد کرد، سخن او را بشنوید، همین است آن که در جماعت در صحرا با آن فرشته که در کوه سینا بدو سخن می گفت و با پدران ما بود و کلمات زنده را یافت تا به ما رسانده ک

ه پدران ما نخواستند او را مطیع شوند بلکه او را رد کرده دلهای خود را به سوی مصر گردانیدند و به هارون گفتند برای ما خدایان بساز که در پیش ما بخرامند، زیرا این موسی که ما را از زمین مصر برآورد نمی دانیم او را چه شده است.

پس در آن ایام گوساله ای ساختند و بدان قربانی گذرانیده به اعمال دستهای خود شادی کردند، از این جهت خدا رو گردانیده ایشان را وا گذاشت تا جنود آسمان را پرستش نمایند، چنانکه در صحف انبیاء نوشته شده است که ای خاندان اسرائیل آیا مدت چهل سال در بیابان برای من قربانی ها و هدایا گذرانیدید. و ضجه ملوک و کوکب خدای خود را برداشتید؛ یعنی اصنامی را که ساختید تا آنها را عبادت کنید، پس شما را بدان طرف بابل منتقل سازم.

(اعمال رسولان، باب ۷، آیات ۴۱ تا ۶۴، صفحه ۱۹۹، ط. ل)

نکته های برگرفته از متن یادشده به شرح زیر هستند:

۱. تولد موسی(ع). ۲. بیرون افکندن وی. ۳. برداشتن دختر فرعون موسی را جهت فرزندگی. ۴. تربیت در حکمت اهل مصر و قوی شدن در قول و فعل. ۵. کشتن مصری. ۶. سعی در مصالحه بین دو نفر و اتهام قتل به وی. ۷. فرار به سوی مدین. ۸. صاحب دو فرزند شدن در مدین. ۹. دیدن آتش در کوه طور. ۱۰. خطاب خداوند با وی. ۱۱. دستور به خلع نعلین به لحاظ مقدس بودن وادی. ۱۲. مجادله قوم با هارون برای ساختن خدا. ۱۳. ساختن گوساله.

نام موسی(ع) در قرآن مجید حدود ۱۳۶ بار تکرار شده و آیات زیادی درباره داستانهای آن پیامبر اولی العزم نازل شده و از رسولانی است که در رسالت خویش با مشکلات طاقت فرسایی دست به گریبان بوده است و از این رو قرآن کریم از زوایای مختلف به زندگی او نظر افکنده و به ب ازگویی آن پرداخته است و ما تنها آیاتی را که پیرامون موارد سیزده گانه یادشده هستند به جهت سنجش میان دو متن می آوریم:

(و أوحینا إلى أمّ موسى أن أرضعیه فإذا خفت علیه فألقیه فی الیمّ... فالتقطه آل فرعون...) قصص ۷ / و ۸

و وحی فرستادیم به سوی مادر موسی این که شیرده او را پس هر گاه بر او ترسیدی پس بیفکن او را در دریا... پس آل فرعون او را یافتند...

(و لما بلغ أشده و استوی آتیناه حکماً و علماً... فوجد فیها رجلین یقتلان هذا من شیعتہ و هذا من عدوّه فاستغاثه الذی من شیعتہ علی الذی من عدوّه فوکزه موسی فقضی علیه... فأصبح فی المدینة خائفاً یتربّب فإذا الذی استنصره بالأمن یستصرخه... فلما أن أراد أن یبطش بالذی هو عدوّ لهما قال یا موسی أترید أن تقتلنی کما قتلت نفساً بالأمس...) قصص / ۱۴ تا ۱۹

و چون به مرحله بلوغ جسمانی و رشد رسید او را حکم و علم دادیم... پس یافت در آنجا دو نفر را که مقاتله می کردند، این از پیروانش و این از دشمنانش. پس او را به یاری طلبید آن که از پیروانش بود بر آن که از دشمنانش بود، پس موسی او را مشتکی زد و کشت... پس صبحگاهان ترسان در شهر انتظار می کشید پس در این هنگام، آن که او را روز قبل به یاری طلبیده بود به فریادخواهی خواست... پس چون که خواست مقابله کند با آن که دشمن هر دوی ایشان بود، گفت ای موسی آیا می خواهی مرا بکشی همچنانکه دیروز یکی را کشتی.

(و لما توجه تلقاء مدین) قصص / ۲۲

و چون روی نمود به جانب مدین...

(... قال إني أريد أن أنكحك إحدى ابنتي هاتين...) قصص / ۲۷

گفت بدرستی که من می خواهم تو را نکاح نمایم یکی از این دو دخترم را...

(... أنس من جانب الطور ناراً... فلما أتيتها نودی من شاطئ الواد الأيمن فی البقعة المباركة من الشجرة أن یا موسی إني أنا الله ربّ العالمین) قصص / ۲۹ و ۳۰

... آتشی را از ناحیه طور مأنوس شد... پس چون نزد آن (آتش) آمد از کنار وادی ایمن در بقعه مبارک از درخت ندا داده شد ای موسی بدرستی که من خودم، الله، پروردگار عالمین هستم.

(... فلما اتياها نودی یا موسی اِنّی انا ربک فاخلع نعلیک اِنک بالواد المقدس طوی) طه / ۱۱ و ۱۲
پس چون آمد آن (آتش) را، ندا داده شد ای موسی بدرستی که من خودم پروردگار توأم، پس
کفشهای خویش را بدر آور، بدرستی که به وادی مقدس هستی.
(... فأخرج لهم عجلاً جسداً له خوار فقالوا هذا الهکم...) طه / ۸۸
پس برای آنها جسد گوساله ای را ساخت که برای او صدایی بود، پس گفتند این پروردگار شماست.

یحیی(ع)

در انجیل آمده است:

(زکریا نام از سلسله آل ابیا و او را زنی بود ایصابات نام، از اولاد هارون و هر دو نیکوکار نزد خدا و
عامل بودند... و نبود ایشان را فرزندی، زیرا ایصابات عقیم و از عمر هر دو بسیار رفته بود. پس
روزی که نوبت خدمت او بود در برابر خدا به دستور سایر کاهنان مشغول عبادت بود... پس گفت
فرشته که مترس ای زکریا که مستجاب شد دعای تو و زن تو ایصابات پسری می آورد و او را یوحنا
نام می کنی... پس گفت زکریا به آن فرشته که چگونه تصدیق کنم این را و من مرد پیر، و زن من
گذشته است ایام عمر او؟ جواب گفت فرشته که منم جبرئیل که می ایستم در برابر خدا، فرستاده
شده ام که این سخن را به تو گویم و بشارت دهم تو را، و از این زمان می باشی ساکت و خاموش و
نمی توانی که سخن گویی تا روزی که آنچه گفتم واقع شود... پس حامله شد ایصابات زن
زکریا...) (انجیل لوقا، فصل اول، باب اول، صفحه ۱۷۷، ت . خ)

(... پس مشورت کردند با پدر او که به چه نام می خواهی بنامی پسر خود را، پس طلبیدند تخته و
نوشت و گفت که نام او یوحنا است، پس تعجب کردند همه ایشان و گشود طفل در آن وقت دهان و
زبان خود را و سخن گفت و طلب برکت کرد از خدا.) (همان، فصل ۶، صفحه ۱۸۰)
فرازهایی که نقل شد حاوی مواردی است:

۱. زکریا و زنی هر دو عادل و نیکوکار بودند. ۲. هر دو پیر بودند و همسرش عقیم بود. ۳. زکریا با
سایر کاهنان عبادت می کرد. ۴. آشکار شدن فرشته با بشارت به تولد یحیی. ۵. تعجب زکریا ۶.
خاموش بودن تا روز حمل ۷. حامله شدن زن زکریا. ۸. سخن گفتن طفل و طلب برکت از خداوند.
در قرآن کریم می خوانیم:

(هنالک دعا زکریا ربّه قال ربّ هب لی من لدنک ذریهً طیبهً اِنک سمیع الدعاء)

آل عمران / ۳۸

در آنجا زکریا پروردگارش را خواند، گفت پروردگار من از نزد خویش مرا ببخش ذریه ای نیکو،
بدرستی که تو شنوای دعایی.

(فنادته الملائکه و هو قائم یصلی فی المحراب أنّ الله یشکر بیحیی...)

آل عمران / ۳۹

پس فرشته او را ندا داد در حالتی که او ایستاده در محراب نماز می گزارد: بدرستی که خداوند تو را
به یحیی بشارت می دهد... .

قال ربّ أنّى يكون لى غلام و قد بلغنى الكبر و امرأتى عاقر قال كذلك الله يفعل ما يشاء) آل عمران / ۴۰

گفت پروردگار من، از کجا برای من پسری است و حال آن که مرا پیری رسیده و زخم نازا است؟ گفت این چنین خداوند آنچه را بخواهد انجام می دهد.

قال ربّ اجعل لى آية قال آيتك ألا تكلم الناس ثلاثة أيام إلا رمزاً) آل عمران / ۴۱
گفت پروردگار من، برای من نشانه ای قرارده، گفت نشانه تو این است که سه روز جز به رمز سخن نگوئی.

(فخرج على قومه من المحراب فأوحى إليهم أن سبحوا بكرة و عشياً. يا يحيى خذ الكتاب بقوة و آتيناك الحكم صبياً) مریم / ۱۱ و ۱۲

پس خارج شد بر قومش از محراب، پس اشاره نمود به سوی آنها اینکه صبح و شام تسبیح گویان باشید. ای یحیی کتاب را با قوت بگیر، و او را در حالتی که در سالهای کودکی و بچه بود حکم دادیم.

سخن آخر

(ألم تر إلى الذين الذين اوتوا نصيباً من الكتاب ...)

از کاوشی که تا کنون در عهد جدید و بویژه انجیلها و ارتباط آنها با قرآن کریم داشتیم، یکی از ادعاهای قرآن با شفافیت و درخشانی تمام به اثبات رسید و آن مضمون جمله یادشده است که در سه آیه قرآن تکرار شده و بر این تصریح دارد که اهل کتاب، قسمتی از کتاب اصلی نازل شده از پیشگاه حق را دارا هستند نه همه آن را. و خود دلالت ضمنی بر تحریف تورات و انجیل کنونی دارد. و از سوی دیگر نیز دلالت دارد بر اینکه تمام مطالب آنها باطل نیست، چنانچه که روشن شد برخی از باورهای مطرح شده در عهد جدید همسویی خاصی با قرآن کریم دارند، اگر چه بنیاد هر دو عهد جدید و قدیم از منظر قرآن مجید بر منفورترین باورها که شرک است بنا شده است و چیزها یی را به پیامبران بزرگ الهی نسبت داده که قلم از نوشتن و زبان از گفتن آنها شرمگین است.

و در پایان با نقل فرازی از المیزان، به این نوشتار خاتمه می دهیم:

(... المراد بالذین اوتوا نصیباً من الكتاب، أهل الكتاب و أما لم یقل: اوتوا الكتاب، و قيل: اوتوا نصیباً من الكتاب، لیدلّ علی ان الذی فی أیدیهم من الكتاب لیس إلا نصیباً منه دون جمیعہ، لأنّ تحریفهم له و تغییرهم و تصرفهم فی کتاب الله اذهب کثیراً من أجزائه ک ما یؤمی الیه قوله فی آخر الآیة التالیة: و غرهم فی دینهم ماکانوا یفترون)

و مراد به کسانی که قسمتی از کتاب را داده شده اند، اهل کتاب هستند و همانا نفرمود: داده شده اند همه کتاب را بلکه فرمود: داده شده اند قسمتی از کتاب را، تا دلالت داشته باشد بر اینکه آنچه از کتاب در برابر آنها است قسمتی از کتاب اصلی است نه تمام آن، زیرا تحریف و تغییر و تصرف آنها در کتاب خداوند مقدار زیادی از بخشهای آن کتاب اصلی را از میان برده است. همان گونه که

سخن خداوند در آخر آیه بعدی بدین حقیقت اشاره دارد: آن نسبت‌های ناروایی که روا داشتند، آنها را در دینشان فریفت.

در پایان این نوشته، یادکرد این موضوع بجاست که مشترکات معرفتی قرآن و انجیل در موارد یادشده خلاصه نمی شود، بلکه زمینه های دیگری نیز برای مشترکات وجود دارد که در مجالهایی دیگر می تواند مورد بررسی قرار گیرد.